

مفهوم‌شناسی معانی لغوی و اصطلاحی ربا در اسلام و غرب؛ رویکردی تطبیقی

دکتر حسین میثمی، * دکتر کامران ندری ** و فرشته ملاکریمی ***

چکیده

در این پژوهش تلاش می‌شود تا مفهوم‌شناسی کاملی از معانی لغوی و اصطلاحی ربا در فقه و متون اسلامی ارائه شده و با معانی لغوی و اصطلاحی یوزوری و اینترست در جهان غرب مقایسه شود. یافته‌های این پژوهش که به روش تحلیلی-توصیفی به‌دست آمده، نشان می‌دهد که اولاً ربا هم در فقه اسلامی و هم در ادبیات غرب، در قرض و غیرقرض مصداق می‌یابد. ثانیاً ربا در فقه اسلامی، مطلقاً زیاده (خواه کم باشد و خواه زیاد) را شامل می‌شود؛ اما در غرب تنها مازاد زیاد و قابل توجه ربا تعریف می‌شود. از این رو، نرخ‌های ربای پایین، نرخ بهره نامیده شده و بدون اشکال در نظر گرفته می‌شوند. ثالثاً، بالابودن نرخ در تعیین مصادیق ربا در فقه اسلامی هیچگونه اثری ندارد، اما در ادبیات متعارف بالابودن نرخ در شناسایی ربا اثرگذاری اساسی دارد. سرانجام اینکه ترجمه کلمه یوزوری یا اینترست به ربای مصطلح در فقه اسلامی، تسامحی و گمراه‌کننده است؛ چرا که ربا، یوزوری و اینترست رابطه منطقی عموم و خصوص من وجه دارند.

واژگان کلیدی: ربا، یوزوری، اسلام، غرب، بهره.

طبقه‌بندی JEL: Z10; O16; O10; L87.

*meisami@isu.ac.ir

k.nadri@gmail.com

f.mollakarimi@gmail.com

*استادیار پژوهشکده پولی و بانکی

** استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

*** کارشناس ارشد پژوهشکده پولی و بانکی

۱. مقدمه

مفهوم ربا از جمله مفاهیمی است که پیش از ظهور دین اسلام و در زمان جاهلیت، رواج قابل توجهی در جوامع آن زمان داشته و از زمان ظهور اسلام نیز، تاکنون به‌طور پیوسته مورد بحث و فکر پژوهشگران و اندیشمندان واقع شده است. این بحث از جمله معدود موضوعاتی است که در قرآن عظیم با شدت هر چه تمام‌تر با آن برخورد شده است؛ به نحوی که تنها گناه کبیره‌ای است که از آن به عنوان زمینه‌ساز جنگ خدا و رسول تعبیر شده است. خداوند متعال در آیه ۲۷۸ و ۲۷۹ از سوره بقره در این رابطه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید و اگر چنین نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن خودتان است؛ نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید»^۱.

بررسی روایات نیز به خوبی نشان می‌دهد که ربا از جمله مباحثی است که به شدت مورد نهمی حضرات معصومین واقع شده است و در این رابطه در احادیث گوناگون از ربا با تعبیر مختلفی از جمله بدترین شغل، بدتر از زنا با محارم و امری پیچیده و مبهم، یاد شده است.^۲

تمامی این موارد به این منجر شده است که مفهوم ربا در نظام اقتصادی اسلام، از اهمیت دو چندانی برخوردار باشد. اهمیت مسأله ربا در نظام اقتصادی اسلام و فقه معاملات به اندازه‌ای است که به جرأت می‌توان گفت تاکنون هیچ فقیه و یا اندیشمند اسلامی حرمت ربا را مورد مناقشه قرار نداده است. امام خمینی (ره) در مسأله حرمت ربا تا حدی پیش می‌رود که احتمال قرارگرفتن آن در زمره ضروریات دین اسلام را مطرح می‌نمایند. ایشان می‌فرمایند: «حرمت ربا به وسیله قرآن، سنت و اجماع مسلمین ثابت است؛ بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات دین باشد»^۳. با توجه به آنچه مطرح شد، به نظر می‌رسد ضروری باشد تا مفهوم‌شناسی جامعی از این واژه در چارچوب اسلامی ارائه شود.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۲۷۸)؛ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِخُرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (۲۷۹).

۲. موسویان، (۱۳۸۶)، ص ۱۴۴.

۳. امام خمینی، (۱۴۲۱ ق.)، ج ۲، ص ۲۲.

از سوی دیگر، موضوع ربا در اسلام، خواه ناخواه با دو واژه یوژوری^۱ و بهره^۲ در اقتصاد متعارف گره می‌خورد؛ به این معنی که به دلیل ورود پدیده بانک در کشورهای اسلامی در سده اخیر، اندیشمندان اسلامی مترصد ارائه الگویی بانکی سازگار با تعالیم اسلامی بوده‌اند که «بانکداری اسلامی» است. بنابراین، به نظر می‌رسد لازم باشد تا مفهوم ربا در اسلام با مفهوم یوژوری و بهره در دیدگاه اندیشمندان غربی مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد. در واقع، لازم است به این پرسش، پاسخ داده شود که آیا معانی لغوی و اصطلاحی ربا در اسلام با معنای یوژوری در ادبیات متعارف غرب یکسان است؟ آیا زمانی که یک اندشمند غربی واژه یوژوری را به زبان می‌راند، همان معنی را مورد نظر قرار می‌دهد که فقهای مسلمان از ربا در ذهن دارند؟ این پژوهش به منظور ارائه پاسخ به این پرسش‌ها انجام می‌شود.

یادآور می‌شود، عدم تبیین دقیق معانی ربا و بهره در نظام اقتصادی اسلام و غرب و مشخص نکردن رابطه آنها با یکدیگر، ممکن است در عمل به سوء برداشت‌های گوناگونی بیانجامد و به همین دلیل درک صحیح معانی لغوی و اصطلاحی ربا و بهره در چارچوب تطبیقی و مقایسه‌ای، ضروری است. به عنوان مثال، به دفعات مشاهده می‌شود که خبرگان، مسئولان دولتی، اندیشمندان و جزاینها، واژه‌های ربا و بهره را به جای یکدیگر به کار می‌برند؛ یا اینکه به‌رغم اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در کشور، همچنان مشاهده می‌شود که در بسیاری از آثار علمی از عبارت «ترخ بهره بانکی کشور» استفاده می‌شود. تمامی این موارد نشان‌دهنده سوء برداشت‌هایی است که در اثر شفاف‌نشدن رابطه منطقی ربا و بهره اتفاق افتاده است. به همین دلیل، بررسی تطبیقی واژه‌های یادشده به لحاظ لغوی و اصطلاحی اهمیت فراوانی داشته و به درک بهتر بانکداری اسلامی کمک خواهد کرد.

در این پژوهش به مفهوم‌شناسی تطبیقی معانی لغوی و اصطلاحی ربا در اسلام و غرب پرداخته می‌شود. پس از مقدمه، پیشینه پژوهش مورد اشاره قرار گرفته، سپس، مفهوم لغوی و اصطلاحی ربا در اسلام مورد بحث واقع می‌شود. در ادامه، مفهوم یوژوری در غرب بررسی شده و معانی لغوی و

1. Usury

2. Interest

اصطلاحی آن تبیین می‌شود. سپس، به‌طور خلاصه به تجربه بانکداری بدون ربا در کشور و عدم تعریف مفاهیم ربا و بهره در قانون پرداخته می‌شود. قسمت پایانی نیز با مقایسه مفاهیم ربا و بهره در اسلام و غرب، یافته‌های پژوهش تبیین می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه موضوع ربا از بنیادی‌ترین مباحث اقتصاد و مالی اسلامی بوده که ثمرات آن در حوزه عمل و اجرا بسیار گسترده است. از زمان طرح ایده بانکداری اسلامی در نیمه نخست قرن بیستم تاکنون و حتی پیش از آن، پژوهش‌های متعددی در مورد مفهوم‌شناسی ربا و بهره انجام شده است. در متون فارسی حدود یکصد مقاله، کتاب و پایان‌نامه (به صورت مستقیم و غیرمستقیم) در حوزه ربا و بهره تدوین شده که بسیاری از آنها به نحوی در موضوع‌شناسی ربا و بهره قابل استفاده است؛ اما نکته جالب توجه آن است که در بسیاری از این پژوهش‌ها مقوله «واژه‌شناسی» به صورت مستقل مورد توجه قرار نگرفته و نویسندگان با ذکر برخی تعاریف فقهی از کنار موضوع عبور کرده و به مباحث دیگر در موضوع ربا و بهره (مانند نظریات بهره) پرداخته‌اند. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

جامعه مدرسین (۱۳۸۱) به بررسی پیشینه تاریخی ربا، انواع ربا در قرآن و سنت و مسأله حیل و راه‌های فرار از ربا می‌پردازد. در پژوهش آنها، به اقوال فقهی و دیدگاه‌های موجود در مورد ربا و انواع آن توجه می‌شود.

ندری (۱۳۸۱) با تفکیک مفهوم بهره به بهره طبیعی و بهره قراردادی و با بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان، تلاش می‌کند تا نشان دهد مفهوم ربا در اقتصاد اسلامی، متفاوت از مفهوم بهره به معنای طبیعی است. به بیان دیگر، مفهوم ربا در نظام اقتصادی اسلام، تنها شامل بهره حقوقی و قراردادی بوده و بهره طبیعی نمی‌تواند موضوع حرمت و حلیت واقع شود.

رجائی (۱۳۸۵) ماهیت بهره و کارایی اقتصادی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی با بررسی مفهوم بهره در نظام اقتصادی سرمایه‌داری و ربا در نظام اقتصادی اسلام، تلاش می‌کند تا نشان دهد نظام مشارکت در سود و زیان و عدم پرداخت سود قطعی، نسبت به نظامی که در آن بهره ثابت و از پیش تعیین‌شده وجود دارد، مزیت‌های گوناگونی دارد.

موسویان (۱۳۸۶) به بررسی برخی دیدگاه‌ها و تفسیرهای جدید با هدف تجویز بانکداری متعارف می‌پردازد. وی نظریه اختصاص ربای محرم به زیاده برای تمدید مدت قرارداد، نظریه اختصاص ربا به بهره فاحش و حلیت بهره عادلانه، نظریه اختصاص ربا به بهره قرض‌های مصرفی و حلیت بهره قرض‌های تولیدی و تجاری، نظریه تفاوت ماهوی ربا و بهره، نظریه اختصاص ربا به بهره بانک‌های خصوصی و نظریه ضرورت اجتماعی و اقتصادی ربا را ارزیابی و نقد می‌کند. یافته‌های وی نشان می‌دهد که این دسته از دیدگاه‌ها به‌رغم نقاط قوتی که دارند، در عمل از پایه‌های مستحکم علمی برخوردار نبوده و نمی‌تواند مبنای فتوا و عمل قرار گیرد.

مکارم شیرازی (۱۳۸۷) به بررسی موضوع ربا در آیات و روایات پرداخته و با بررسی فلسفه و علت حرمت ربا در اسلام، موضوع بانکداری بدون ربا و انواع خدماتی را که در این نظام قابل ارائه است، مورد توجه قرار می‌دهد.

پیغامی (۱۳۹۰) تلاش می‌کند با بررسی دیدگاه‌ها و نظریات مختلف در موضوع بهره بانکی، نشان دهد که نظریه اثباتی برای تبیین وجود بهره در متون اقتصادی وجود نداشته و تنها پایه نظری ممکن برای شناخت چیستی بهره، ترجیحات بین زمانی است.

بخشی و دلالی (۱۳۹۰) به بررسی ریشه‌های عینی و ذهنی مطرح‌شده از سوی اقتصاددانان سرمایه‌داری در توجیه وجود نرخ بهره پولی مثبت پرداخته و نشان می‌دهند که بسیاری از آنها نه تنها از منظر اسلامی بلکه از دیدگاه منطقی و با در نظر گرفتن دیدگاه‌های گروه‌های دیگری از متفکرین اقتصاد متعارف قابل نقد است. آنها نشان می‌دهند که نمی‌توان برای بهره بانکی پولی، ریشه معقول و منطقی در نظر گرفت.

موسویان و میثمی (۱۳۹۳) به نقد دو گروه دیدگاه‌ها در زمینه رابطه بهره بانکی و ربا می‌پردازند که عبارتند از: دیدگاه‌های توجیه‌کننده مشروعیت بهره بانکی و دیدگاه‌های توسعه‌دهنده اصل حرمت ربا. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که هر دو گروه دیدگاه‌های یادشده از منظر فقه اسلامی قابل نقد هستند. افزون بر این، به دلیل آنکه فقه اسلامی با پذیرش اصل صحت، زمینه را برای نوآوری

در عرصه قراردادهای باز گذاشته است، اساساً نیازی به توجیه ربا برای هموار ساختن امکان استفاده از بانکداری متعارف و یا توسعه بیش از اندازه حوزه حرمت ربا وجود ندارد.

احمدوند و توحیدی (۱۳۹۴) به بررسی میزان علیت ظالمانه بودن ربا در قرض‌های تولیدی و مصرفی می‌پردازند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که ظالمانه بودن نمی‌تواند علت انحصاری تحریم ربا باشد؛ به گونه‌ای که حکم حرمت دائر مدار آن قرار گیرد؛ بلکه نهایت چیزی که می‌توان پذیرفت این است که ظالمانه بودن ربا، حکمت تحریم آن است به نحوی که حکم تحریم نفیاً و اثباتاً به آن وابسته نیست. بنابراین، ممکن است در ظاهر ربا گرفتن در قرض تولیدی ظلم نباشد، ولی این مسأله حکم تحریم را از آن منتفی نمی‌کند. افزون بر این، ثابت شده است که ربا گرفتن در قرض‌های تولیدی هم موجب ظلم می‌شود؛ پس حکم حرمت در آن نیز وجود دارد و از این جهت هیچ‌گونه تفاوتی با قرض مصرفی ندارد.

الجرعی (۲۰۰۲) به مقایسه دو مفهوم ربا و بهره با در نظر گرفتن آثار اقتصادی آنها می‌پردازد. یافته‌های تحقیق وی نشان می‌دهد که با حذف بهره در نظام بانکداری اسلامی و جایگزینی آن با نرخ سود، شرط تخصیص بهینه منابع به صورت درون‌زا تأمین می‌شود.

صدیقی (۱۳۸۹) مباحث نظری مرتبط با توانمندی‌های نظام بانکداری اسلامی را با عنوان حکمت تحریم ربا مورد بررسی قرار می‌دهد و پس از ذکر مباحثی به این نتیجه می‌رسد که نظام بانکداری اسلامی نه تنها ثبات و کارایی بیشتری را نوید می‌دهد، بلکه عدالت و رشد بیشتری را نیز به همراه دارد. یافته‌های وی به مقایسه اقتصادی نظام بانکداری اسلامی با نظام بانکداری متعارف می‌پردازد.

چپرا (۲۰۰۷) با اشاره به مباحث تاریخی در خصوص موضوع بهره و ربا، به بررسی مفهومی و علت‌یابی چالش‌های نظام بانکداری اسلامی می‌پردازد. وی تلاش می‌کند تا نشان دهد امکان حذف کامل ربا از نظام اقتصادی به لحاظ نظری امکان‌پذیر است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هر چند بررسی مقوله ربا و مقایسه آن با بهره در غرب مورد توجه پژوهشگران واقع شده، اما مقایسه تطبیقی معانی لغوی و اصطلاحی ربا در اسلام با یوژوری در غرب چندان مورد توجه واقع نشده است. گویا این طور فرض شده است که یوژوری که در متون غربی

مطرح شده، دقیقاً همان ربای محرم در اسلام است. از این رو، این پژوهش با زیر سؤال بردن این پیش‌فرض ذهنی، تلاش می‌کند تا حوزه علمی مفهوم‌شناسی ربا را توسعه داده و با شفاف‌سازی مفاهیم، زمینه تعامل و گفت‌وگو بهتر بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف را فراهم سازد.

۳. واژه‌شناسی^۱ ربا در اسلام

در تبیین موضوع ربا که در آیات قرآن کریم تحت حکم حرمت قرار گرفته است، شناخت معنای لغوی و اصطلاحی لفظ ربا اهمیت ویژه‌ای دارد. در واقع، بدون شناخت مدلول یک لفظ نمی‌توان مفهوم آن را به درستی درک کرد. توضیح اینکه لفظ به حسب قراردادی که نام آن «وضع» است بر معنایی دلالت می‌کند. دلالتی که منشأ آن وضع است، دلالت تصویری نام دارد.^۲ لفظ دارای دلالت دیگری نیز بوده که عبارت است از دلالت تصدیقی.^۳ این نوع دلالت نیز خود دو نوع دارد که عبارتند از: دلالت تصدیقی-تفهیمی و دلالت تصدیقی-جدی.^۴ این دو نوع دلالت تابع وضع نیستند، بلکه تابع حکم عقل و سیره و روش عقلا هستند؛ به این معنا که در طریق عقل و روش عقلا از بیان لفظ پی به این برده می‌شود که گوینده لفظ درصدا انتقال معنای حقیقی لفظ به ذهن مخاطب است. با بیان این مقدمه منطقی، در

1. Terminology

۲. دلالت تصویری، به معنای خطور معنا در ذهن مخاطب به مجرد شنیدن لفظ است، حتی در صورتی که متکلم قصد انتقال معنا را در ذهن مخاطب نداشته باشد؛ مانند اینکه لفظی از برخورد دو سنگ به گوش متکلم برسد یا کلامی که فردی در حالت خواب به زبان می‌راند.

۳. دلالت لفظ بر مراد و مقصود متکلم را دلالت تصدیقی می‌گویند.

۴. در دلالت تصدیقی، متکلم لفظ را به قصد خطور دادن معنا در ذهن مخاطب به کار می‌برد؛ یعنی قصد دارد با استعمال لفظ، معنایی را به مخاطب تفهیم نماید؛ حال، در صورتی که این معنا مراد جدی متکلم نباشد و فقط مراد استعمالی وی باشد، به آن، دلالت تصدیقی اولی یا دلالت تصدیقی-تفهیمی، و اگر مراد جدی وی نیز باشد، به آن، دلالت تصدیقی ثانوی یا دلالت تصدیقی-جدی می‌گویند. به عنوان مثال فردی قصد می‌نماید با گفتن این جمله که «هوا ابری است» معنایی را به ذهن شنونده منتقل کند. ابری بودن هوا دلالت تصدیقی-تفهیمی جمله و مراد استعمالی متکلم است؛ ولی ممکن است متکلم بخواهد با این جمله این معنا را به ذهن مخاطب متبادر نماید که اوضاع نابسامان است. نابسامان بودن اوضاع دلالت تصدیقی-جدی جمله و مراد جدی متکلم است.

ادامه به منظور تبیین مدلول لفظ ربا به سراغ کتب لغوی رفته و برای شناخت معنای اصطلاحی آن، به دیدگاه فقها مراجعه می‌شود.

۳-۱. معنای لغوی ربا در کتب لغت

کتب لغوی گوناگون و اصیل زبان عربی، تعاریف تقریباً مشابهی از واژه ربا ارائه کرده‌اند؛ هر چند اختلافاتی نیز وجود دارد. به عنوان نمونه در کتاب العین، ربا به معنای فزونی یافتن و اضافه شدن مال آمده است.^۱ ربا در الصحاح نیز به معنای «بلندی و زیاد شدن» ذکر شده است.^۲ احمد بن فارس درباره واژه ربا می‌گوید: «ربا هم به مد (رباء) و هم به قصر (ربا) آمده و به معنای زیادی، علو و نماست».^۳ راغب اصفهانی ربا را این‌گونه تعریف می‌کند: «ربا افزایش سرمایه است؛ اما در شرع اسلام به معنی یک نوع اضافی بخصوصی در سرمایه است نه مطلق افزایش»^{۴ و ۵}

در لسان العرب اصل ربا به معنای اضافی و زیادتی دانسته شده که در اموال و ثروت در هنگام زیادی و رشد به وجود می‌آید.^{۶ و ۷} در کتاب تاج العروس هم با بررسی نظرات لغویین، واژه ربا به معنای معنای علو، برتری و زیادی در نظر گرفته شده است.^۸

در کتاب المنجد آمده است: «ربا به الف مقصوره اسم مصدر است و الف آن در اصل واو می‌باشد؛ چون این کلمه ناقص واوی است گفته می‌شود ربا، یربو، رباء و در نسبت به آنها گفته می‌شود ربوی. از این رو ربا المال یعنی مال زیاد شد و رشد کرد».^۹ در منتهی الارب نیز «ربا» به معنی بلندی

۱. فراهیدی. (۱۴۱۰). ج ۸، ص ۲۸۳.

۲. جوهری. (۱۴۱۰). ج ۶، ص ۲۳۴۹.

۳. ابن فارس. (۱۴۰۴). ج ۲، ص ۴۸۳.

۴. «الرَّبَا الزَّيَادَةُ عَلَى رَأْسِ الْمَالِ، لَكِنْ خَصَّ فِي الشَّرْعِ بِالزَّيَادَةِ عَلَى وَجْهِ دُونَ وَجْهِ».

۵. راغب اصفهانی. (۱۴۱۲). ص ۳۴۰.

۶. «و الأصل فيه الزيادة من ربا المال إذا زاد و ارتفع و نما».

۷. ابن منظور. (۱۴۱۴). ج ۱۴، ص ۳۰۴.

۸. حسینی واسطی. (۱۴۱۴). ج ۱۹، ص ۴۴۱.

۹. معلوف. (۱۳۶۷). ص ۲۳.

و افزایش یافتن آمده است و در این مورد مؤلف آن می‌گوید: «ربا به معنی ارتفاع و بلندی است و ربا، رَبَوًا، رَبَّوًا و رَبَاءٌ همگی به معنای فزونی شدن می‌باشند»^۱.

از مجموع این تعاریف می‌توان این طور برداشت کرد که ربا در لغت عبارت است از زیاده. این زیاده نیز مطلق بوده و می‌تواند نسبت به خود شیء مورد سنجش قرار گرفته و یا با اشیای دیگر مقایسه شود. قرآن کریم در سوره حج آیه ۵ می‌فرماید: «فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ» که اینجا ربا به معنای علو و ارتفاع است؛ علو و ارتفاع زمین زیاده‌ای است نسبت به خود و ذات خودش؛ اما زیادی نسبی مثل آیه ۹۲ سوره نحل که می‌فرماید: «أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ» یعنی امتی دارای اکثریت عددی است نسبت به امت دیگر.

۳-۲. معنای اصطلاحی ربا در کلام فقها

معنای اصطلاحی ربا آن چیزی است که در چارچوب شرع تعریف شده است. برای تبیین این معنا می‌بایست به سراغ کلام فقها در کتب فقهی رفت. فقها شامل شیعه و سنی برای ربا اقسامی در نظر گرفته، سپس، به تعریف آن پرداخته‌اند. در این نوشتار نخست آرای فقهای شیعه، سپس، آرای فقهای اهل سنت در مورد ربا و اقسام آن بررسی می‌شود.

۳-۲-۱. انواع ربا نزد فقهای شیعه

مشهور نزد فقیهان شیعه تقسیم ربا به ربای قرضی و معاملی است؛ البته، تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز وجود دارد که ذکر آنها چندان مفید نیست. در این بخش با تکیه به منابع و روش استنباط و استخراج احکام فقهی و موضوع‌های شرعی نزد مذهب شیعه، به تعریف انواع ربا (شامل ربای قرضی، ربای معاملی و ربای جاهلی) پرداخته می‌شود.

الف) ربای قرضی

در تعریف و حرمت ربای قرضی، اختلافی بین فقیهان نیست. فقهای امامیه بدون هیچ اختلافی شرط زیاده را در عقد قرض حرام می‌دانند. اقوال فقها حکایت از آن دارد که حرمت شرط زیاده در عقد قرض

۱. صفی‌پور. (۱۴۰۴). ج ۱، ۴۲۸.

مورد اجماع است. در این مسأله، تفاوتی وجود ندارد بین اینکه کالای قرض داده شده یا به اصطلاح عین مستقرضه، مکمل و موزون و یا معدود باشد.^۱ افزون بر این، در ربای قرضی اهمیتی وجود ندارد که زیاده از چه نوعی باشد؛ در کتاب غنیة النزوع تصریح شده است که حرمت شرط زیاده مورد اجماع فقهاست و بین این که زیاده در مقدار یا صفت باشد، تفاوتی وجود ندارد.^۲ ابن ادریس نیز با ادعای نبود خلاف، معتقد به اجماع میان فقها مبنی بر بطلان شرط زیاده در عین یا صفت است.^۳

همچنین، در کتب فقهی دیگر آمده است که قرض همراه شرط زیاده (شرط نفع عینی) حرام است و به اجماع فقها باطل است.^۴ صاحب جواهر نیز ابتدا اظهار می‌کند که این مسأله در هر دو قسم (زیاده در مقدار یا صفت) مورد اجماع است؛ سپس، مسأله را مورد اجماع مسلمین (امامیه و عامه) می‌داند.^۵

مستند حرمت ربای قرضی، روایات چندی است که در اینجا برای اختصار تنها به یک مورد اشاره می‌شود. یعقوب بن شعیب از امام صادق (ع) نقل می‌کند که: «در کلام امیرالمؤمنین است که ربای حرام است که شخص به شخص دیگر ده درهم بدهد، بنابر اینکه او مقدار بیشتری به وی پس دهد و این همان ربایی است که خدای متعال در آیه مورد نظر مورد نهی قرار داده که يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا.....»^۶

لازم است در مورد ربای قرضی به دو نکته اشاره شود؛ نکته اول آنکه عنوان «زیادی» در روایات ربای قرضی، عنوان عرفی است؛ یعنی چیزی را که عرف آن را در قرض، زیادی به شمار آورد، ربا و حرام خواهد بود؛ وگرنه زیادی و ربا شمرده نمی‌شود. به‌طور مثال، اگر قرض‌دهنده شرط کند که

۱. حلی. (۱۴۲۰). ج ۱۲، ص ۲۸۲؛ عاملی. (۱۴۱۳). ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. «الاجماع علی انه یحرم الشرط الزیاده سواء کان فی القدر او الصفة».

۳. حلی. (۱۴۰۰). ج ۱۵، ص ۲۷.

۴. « شرط زیاده فی العین او الصفة کان باطلا و الاجماع حاصل منعقد علی هذا»

۵. حلی. (۱۴۲۰). ج ۱۲، ص ۲۸۴.

۶. طوسی. (۱۳۸۷). ج ۲، ص ۸۹؛ مقدس اردبیلی. (۱۴۰۳). ج ۸، ص ۴۸۰.

۷. نجفی. (۱۹۸۱). ج ۲۵، ص ۵.

۸. شیخ صدوق. (۱۴۱۳). ج ۳، ص ۲۸۶.

شیء قرض داده شده را هنگام بازپرداخت در محلی غیر از مکان قرض داده شده، به مقرض تحویل دهد، از نظر عرف زیادی و ربا به شمار نمی‌رود.

همچنین، ربای قرضی مخصوص حالتی است که بازگرداندن زیاده شرط شده باشد؛ اما اگر این پرداخت مشروط نباشد، اشکالی نداشته و بلکه مستحب نیز هست. در این رابطه، می‌توان به روایات گوناگونی استناد کرد. به عنوان نمونه در صحیح عبدالرحمن بن حجاج آمده است که از امام صادق (ع) پرسیده شد که اگر در ازای قرض گرفتن چند درهم، مال قرض همراه با مازاد به فرد برگردانده شود، اشکال دارد یا خیر؟ حضرت در پاسخ فرمود: «اگر شرطی در بین نباشد، اشکالی ندارد و بعد استناد کرد به روش پدر بزرگوارش که امام باقر (ع) هم در وقت قرض گرفتن چنین عمل می‌کرد و وقتی از علت کارش می‌پرسیدم، می‌فرمود: این فضیلت است». صاحب جواهر در ذیل این روایت می‌فرماید: «گویی حضرت در مقام اشاره به آیه ۲۳۷ سوره بقره است که می‌فرماید: وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ»^۱.

ب) ربای معاوضی

ربا در معنای اصطلاحی خود در نزد فقهای شیعه قسم دیگری را نیز شامل می‌شود که به ربای معاملی مشهور است. ربای معاملی، عبارت است از معامله یک شیء با همجنس خودش، همراه با زیادی عینی (مثلاً معامله یک کیلو گندم با دو کیلو از آن یا یک کیلو از آن به علاوه یک درهم) و یا حکمی (مانند معامله یک کیلو گندم به یک کیلو از آن گندم به نحو نسبه)^۲.

یک بحث مهم در ربای معاملی این است که آیا این نوع ربا در هر معاوضه و معامله‌ای جاری است یا اینکه تنها اختصاص به قرارداد بیع دارد؟ در صورتی که در هر معامله‌ای این حکم جاری باشد، نتیجه این خواهد بود که اگر مثلاً همراه با یک قرارداد صلح معاوضه دو مال صورت گیرد، به گونه‌ای که یکی از متعاملین مال بیشتری را از همان جنس به مال کمتری مورد مصالحه قرار دهد، مشمول ادله ربا خواهد بود؛ ولی اگر حکم حرمت ربای معاملی مخصوص قرارداد بیع باشد، معامله یادشده بدون اشکال خواهد بود.

۱. نجفی. (۱۹۸۱). ج ۲۵، ص ۵۵.

۲. خمینی. (۱۴۲۱). ج ۱، ص ۴۹۳.

فقها در این مسأله اختلاف فراوانی با یکدیگر دارند؛ اما از کلام بسیاری از آنها بر می‌آید که حرمت ربای معاوضی اختصاص به بیع ندارد. مرحوم مقدس اردبیلی در کتاب آیات الاحکام از بسیاری از فقها همچون سید مرتضی، شیخ طوسی، مرحوم قاضی، ابی‌متوج و فخر المحققین نقل می‌کند که آنها بر این باورند که این حکم مخصوص بیع نبوده و در هر معامله‌ای جاری است.^۱

ج) ربای جاهلی

منظور از ربای جاهلی آن است که به بدهکار برای تأدیه دینش مهلت داده شده و در مقابل مهلت داده شده، زیادی از او گرفته شود. به لحاظ تاریخی این نوع ربا پیش از ظهور اسلام در شبهه جزیره عربستان به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گرفت. در واقع، اگر کسی به دیگری بدهکار بود و در سررسید توان پرداخت نداشت، از طلبکار مهلت می‌خواست و در مقابل متعهد می‌شد بر مبلغ بدهی بیفزاید.^۲

در این خصوص، زید بن اسلم می‌گوید: «ربای جاهلی به دو برابر کردن بود. یعنی وقتی طلبکار طلب خود را از بدهکار می‌خواست، اگر بدهکار قادر به پرداخت بدهی نبود، باید سال بعد دو برابر می‌پرداخت و اگر سال بعد هم نمی‌توانست، باز برای سال آینده دو برابر می‌شد. از این رو، اگر صد درهم بدهکار بود و نمی‌توانست بپردازد، سال بعد ۲۰۰ درهم می‌شد و اگر باز هم نمی‌توانست بپردازد، سال دوم به ۴۰۰ درهم می‌رسید».^۳

فخر رازی نیز در این رابطه می‌گوید: «ربایی که در جاهلیت معروف بود، ربای نسیه بود. به این صورت که مالی را به دیگری قرض می‌دادند و بنا می‌گذاشتند که سر هر ماه، مقدار معینی را دریافت کنند و اصل مال تا مدت مشخصی در نزد بدهکار باقی بماند. وقتی مهلت فرا می‌رسید، طلبکار اصل

۱. مقدس اردبیلی، (۱۴۰۳)، ص ۴۳۲.

۲. موسویان، (۱۳۹۰)، ص ۱۴.

۳. طبری، (۱۴۰۷)، ج ۴، ص ۵۹.

مال را می‌طلبید و اگر بدهکار نمی‌توانست آن را بپردازد، بر اصل قرض می‌افزود و در مقابل، به او مهلت بیشتری می‌داد و این همان ربایی بود که در جاهلیت با آن معامله می‌کردند.^۱

در مورد ابعاد ربای جاهلی بحث‌های مفصلی در بین فقها و اندیشمندان اسلامی وجود دارد. به عنوان نمونه، برخی از پژوهشگران به خوبی نشان داده‌اند که ربای جاهلی هم در قرض و هم در دین حاصل از بیع مدت‌دار رواج داشته است و اینکه ربای جاهلی گاهی برای تمدید بدهی در سررسید مورد استفاده واقع می‌شده و گاهی برای اعطای قرض.^۲

۳-۲. انواع ربا نزد فقهای اهل سنت

اهل سنت از همان آغاز به حرام بودن اقسام ربا معتقد بوده‌اند. ابن رشد و ابن قدامه و خطیب بر این مسأله ادعای اجماع کرده‌اند. ابن رشد بیان می‌کند: «مسلمانان در همه زمان‌ها بر حرمت ربا فی‌الجمله اجماع کرده‌اند و همه فقهای مذاهب نیز این اجماع را نقل کرده‌اند».^۳

هیچ یک از فقیهان اهل سنت، به حلال بودن برخی از اقسام ربا فتوا نداده‌اند؛ هرچند در مورد شدت و ضعف اقسام ربا در میان آنان دیدگاه‌های متفاوتی هست و برخی مانند ابن قیم، ربای فضلی (معاملی) را برای پیش‌گیری از ارتکاب حرام قطعی، حرام می‌دانند و حرمت ذاتی برای آن قایل نیستند؛ ولی این مسأله را دستاویز مباح شمردن این قسم از ربا نمی‌دانند.^۴

اختلاف نظر میان فقهای اهل سنت در مورد ربای معاملی ابعاد دیگری نیز دارد؛ دسته‌ای از فقهای اهل سنت حرمت ربای معاملی را به اشیای شش‌گانه منحصر می‌کنند که عبارتند از: طلا، نقره، خرما، گندم، نمک و جو. شافعی معیار حرمت ربا را «خوراکی» و همجنس بودن در جو، گندم، خرما و نمک و «مسکوک» بودن را در طلا و نقره می‌داند. مذهب حنفی، روی موزون بودن در تمام اشیاء به عنوان یک معیار تکیه دارد، ولی در اشیای چهارگانه (خرما، گندم، نمک و جو)، «پیمانه‌ای» و «همجنس» بودن را به شرط موزون اضافه

۱. فخر رازی. (۱۴۱۵). ج ۷، ص ۹۳.

۲. مصباحی‌مقدم و احمدوند. (۱۳۸۸). ص ۱۵؛ موسویان و میثمی. (۱۳۹۴). ص ۲۳۳.

۳. ابن رشد. (۱۴۱۶). ج ۴، ص ۳۳؛ ابن رشد. (۱۴۱۶). ج ۴، ص ۳۳.

۴. ابن قیم. (۱۴۱۸). ج ۲، ص ۳۰.

می‌کند. مذهب مالکی علت حرمت ربا در اشیای چهارگانه را طعام بودن آنها می‌داند. حنابله نیز اتحاد در جنس، مکیل و موزون بودن را معیار حرمت قرار داده‌اند.^۱

در مجموع، از مباحثی که از نظر گذشت و مقایسه فقه امامیه با اهل سنت در حوزه ربا می‌توان نتیجه گرفت که فقهای اسلام در مفهوم شناسی ربا قائل به تعاریف و تقسیم بندی مشترکی هستند. این تقسیم‌بندی تنها در برخی احکام جزئی دارای تفاوت‌هایی است. بنا بر اجماع فقهای اسلام شامل شیعه و سنی، یکی از اقسام ربای حرام، ربای قرضی بوده که عبارت است از اشتراط مطلق زیاده در عقد قرض، خواه کم باشد یا زیاد. این نوع ربا فقط مختص عقد قرض است و عقود دیگر را شامل نمی‌شود. بنابراین، تعیین نرخ سود در عقود دیگر اسلامی مانند بیع و مرابحه از مصادیق ربا به شمار نمی‌آید.

نوع دیگری از ربا که در همه عقود اسلامی شامل قرض و غیرقرض ساری و جاری است، ربا در مطلق دیون است که به ربای جاهلی مشهور است. ربای جاهلی عبارت است از افزایش بدهی در مقابل تمدید مهلت. این نوع ربا در فقه شیعه و اهل سنت دارای تعریف یکسانی است. در فقه اهل سنت از این نوع ربا به ربای نسیه یا جلی تعبیر می‌شود. قسم سوم ربا نیز ربای معاملی است که عبارت است از معامله یک شیء با همجنس خودش. تعریف این نوع ربا در فقه شیعه و اهل سنت تقریباً مشترک است و تنها در برخی جزئیات دارای تفاوت‌های ناچیزی بوده که البته به مفهوم اصلی آن خللی وارد نمی‌سازد. گفتنی است در تمام اقسام ربا، مطلق زیاده مشمول حکم حرمت می‌شود.

۴. واژه‌شناسی ربا در غرب

در این قسمت، واژه‌شناسی مفهوم ربا در غرب بررسی می‌شود. مشابه قسمت پیشین که معانی لغوی و اصطلاحی ربا در فقه اسلامی بحث شد، در این قسمت، معانی لغوی و اصطلاحی ربا در غرب تحلیل می‌شود.

۱. ابن رشد، (۱۴۱۶). ج ۴، ص ۷۷.

۴-۱. معنای لغوی ربا در غرب

در تبیین معنای لغوی ربا در نظام اقتصادی غرب، نیاز است تا معنای دو واژه مشابه با آن یعنی یوژوری^۱ و اینترست^۲ در فرهنگ‌های لغت بررسی شود. فرهنگ لغات آکسفورد در تعریف یوژوری بیان می‌کند: «عمل پرداخت پول و دریافت اصل آن همراه با نرخ‌های بهره به شدت بالا^۳». کلمه بهره نیز بدین صورت تعریف می‌شود: «پولی که به صورت منظم و با نرخ مشخص بر روی وامی که قرض داده شده است، پرداخت شده و یا اینکه به دلیل به تأخیر انداختن بازپرداخت دین پرداخت می‌شود^۴». در فرهنگ‌های لغت معتبر دیگر نیز تعریف‌های تقریباً مشابهی در تعریف دو واژه یوژوری و اینترست بیان شده است.^۵

بنابراین، به نظر می‌رسد در حال حاضر در جهان غرب، منظور از واژه یوژوری در بین عموم مردم، نرخ‌های بهره‌ای هستند که بیش از حد متعارف وضع می‌شوند. خود بهره نیز مازاد منطقی و متعادلی است که کسی که پول به دیگری قرض (و یا غیر قرض) می‌دهد، مستحق دریافت آن می‌شود و یا آنکه به دلیل به تعویق افتادن بازپرداخت بر روی وام وضع می‌شود.

۴-۲. معنای اصطلاحی ربا در غرب

ارزیابی منابع دست اول دانش اقتصاد که به مفهوم ربا و بهره اشاره کرده‌اند، به خوبی نشان می‌دهد که معنای اصطلاحی ربا در غرب ثابت نبوده و در طول زمان با تغییرات مهمی مواجه شده است. در این قسمت با مراجعه به فرهنگ لغات پولی و مالی پالگریو^۶ (به عنوان معتبرترین فرهنگ تخصصی در رشته اقتصاد) به تبیین سیر تطوّر معنای اصطلاحی ربا در غرب پرداخته می‌شود.^۷

1. Usury

2. Interest

3. Usury: The action or practice of lending money at unreasonably high rates of interest.

4. Interest: The money paid regularly at a particular rate for the use of money lent, or for delaying the repayment of a debt.

۵. گفتنی است که بررسی ادبیات بحث نشان می‌دهد که حساسیتی که در فضای اسلامی و بین اندیشمندان مسلمان در تعریف لغوی ربا وجود دارد (که در بخش پیشین به آن اشاره شد)، در فضای گفتمانی غربی وجود نداشته و مطلب زیادی در مورد آن وجود ندارد؛ بلکه در این فضا، بسیار کم بر روی تعاریف تمرکز شده و بحث اصلی بر کارکردها قرار گرفته است.

6. The New Palgrave Dictionary of Money and Finance

۷. فرهنگ لغات پولی و مالی پالگریو. (۲۰۱۳). ص ۷۴۳.

در دوره غلبه تفکرات مدرسی^۱ مسیحیت، منظور از ربا، هر نوع مازاد یا زیاده‌ای بود که قرض‌دهنده در تمامی قراردادهای مالی یا غیرمالی از قرض‌دهنده طلب می‌کرد. بر این اساس، در این دوره هر نوع دریافت مازاد ربا به حساب می‌آمد و از منظر متفکرین مدرسی ممنوع بود. ابتدا، این ممنوعیت مخصوص روحانیون و اقشار مذهبی بود، اما به تدریج توسعه پیدا کرد و شامل عموم مردم شد.^۲

در این دوره، متفکرین کلیسا تلاش‌هایی به منظور توجیه اصل حرمت ربا انجام می‌دادند. در دوره‌های اولیه که تفکرات مذهبی از جایگاه والایی در بین عموم مردم برخوردار بود، متفکرین مسیحی دلیل اصل حرمت ربا را این طور بیان می‌کردند که کتاب‌های الهی (تورات و انجیل) در چندین آیه ربا را غیرمجاز اعلام کرده‌اند و این خود بهترین دلیل برای حرمت ربا است. به بیان دیگر، حرمت ربا در کتاب‌های الهی به تنهایی قانع‌کننده در نظر گرفته می‌شد و دیگر نیازی برای تبیین حکمت یا منطق حرمت ربا به لحاظ عقلی احساس نمی‌شد.^۳

در دوره قرون وسطی به‌ویژه در سده‌های نزدیک رنسانس، با توسعه کسب‌وکار، به تدریج این پرسش در ذهن عموم مردم شکل گرفت که در حقیقت، حکمت تحریم ربا چیست؟ اصحاب کلیسا در مواجهه با این پرسش‌ها احساس خطر کردند، بنابراین، مشاهده می‌شود که در این دوره، به تدریج استدلال‌های عقلی در توجیه حرمت ربا توسعه می‌یابد. در نتیجه، در این دوره، برخی دیدگاه‌ها از سوی اندیشمندان در توجیه منطق حرمت ربا ارائه می‌شود.^۴

به عنوان مثال، نظریه نازایی پول (که به ارسطو نسبت داده می‌شود) در این دوره توسط برخی از متفکرین ارائه شد. بر اساس این نظریه، پول بر اساس طبیعت و ماهیت نازا بوده و نمی‌توان انتظار هیچ نوع بازدهی از آن داشت. در این دیدگاه، پول نایب منابع کالاهاست و جستجوی سود در چیزی که خصلت نیابت دارد، مانند این است که در آینه به دنبال تصویری بگردیم که در آن منعکس است.^۵

1. Scholastic

2. Mclaughlik .(1939). P 121

3. Bohm-Bawerk .(1890). P 61

4. Dempsey .(1935). P 21

5. Baldwin .(1959). P 91

نظریه انتقال مالکیت، مثال دیگری از دیدگاه‌های تبیین‌کننده منطق حرمت ربا بوده که بر موضوع مالکیت تمرکز می‌کند. بر اساس این دیدگاه، وقتی کالایی از فردی به فرد دیگر قرض داده می‌شود، مالکیت عین کالا از قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده منتقل شده و تنها ذمه قرض‌گیرنده نسبت به قرض‌دهنده مشغول می‌شود. بنابراین، هر نوع افزایشی که در کالای مورد قرض اتفاق افتد، در مالکیت قرض‌گیرنده اتفاق افتاده است، بنابراین، منطقی و مشروع نیست که این اضافه به قرض‌دهنده برسد.^۱

با این حال، ضعف این توجیهاات در اقناع اصحاب تجارت به‌ویژه ضعف کلیسای مسیحی در تمایز بین سودهای حلال (که نیاز هر نوع تجارتی است) و فعالیت‌های ربوی، باعث شد تا به تدریج فشار بر کلیسا بیشتر شده و عقب‌نشینی تدریجی در زمینه اصل حرمت ربا ایجاد شود. به‌ویژه پس از رنسانس و توسعه شدید فعالیت‌های تجاری و اقتصادی، فشار بر کلیسا برای عقب‌نشینی از اصل حرمت ربا بسیار شدید شد. در این دوره اصحاب کلیسا، تلاش می‌کردند تا با ارائه انواع حیل‌های شرعی برای توجیه ربا، به نیازهای جدید پاسخ دهند. مجاز بودن دریافت ربا با عنوان جریمه، مجاز بودن دریافت ربا از دشمنان و جزاینها برخی از این توجیهاات بودند.^۲

روند کاهش حوزه مفهومی ربا تا جایی پیش رفت که به تدریج ربا صرفاً به موارد خاص (نرخ‌های بسیار بالا) اختصاص یافت و نرخ‌های کم و متعارف بهره‌ناامیده و مجاز در نظر گرفته شد. بنابراین، معنای اصطلاحی یوژوری در غرب در دوره پیش از رنسانس، بسیار گسترده بود و در هر نوع مازادی بر اصل را شامل می‌شد (چه کم چه زیاد و چه در قرارداد قرض و چه غیر از آن)، اما پس از رنسانس این دیدگاه تغییر کرد و صرفاً نرخ‌های بسیار بالای بهره ربا نامیده شد (این دیدگاه در حال حاضر نیز وجود دارد).^۳

1. Bohm-Bawerk. (1890). P 61

2. Fetter. (1914). P 41

۳. هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای غربی از جمله ایالات متحده آمریکا، قوانینی با عنوان قوانین ربا (Usury Laws) وجود دارد که در آن سقف‌های مشخصی برای نرخ بهره پرداختی مشخص شده و دریافت یا پرداخت هر مقداری بیشتری از آن، ربا به حساب آمده و عملی خلاف قانون در نظر گرفته می‌شود (نرخ‌های پایین‌تر ربا به حساب نمی‌آید). در حال حاضر در ایالت‌های مختلف آمریکا این نرخ متفاوت است؛ به عنوان نمونه در آلاباما شش، آلاسکا ده و کالیفرنیا هفت درصد است (Murizah, et al, 2013, P. 23).

۵. بانکداری بدون ربا در ایران

پیش از ارائه نتیجه‌گیری مباحث مطرح شده، مناسب است به صورت کوتاه به بانکداری بدون ربا در کشور و جایگاه مفهوم ربا در آن پرداخته شود. به لحاظ تاریخی، اصلی‌ترین تحول در اصلاح نظام بانکی پس از انقلاب اسلامی، تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ بود. از تاریخ شروع اجرای این قانون به بعد، تمام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری فعال در بازار پول ایران به لحاظ محیط فعالیت حقوقی، اسلامی شده و نظام یکپارچه بانکداری اسلامی (که تا آن زمان به‌ندرت در جهان تجربه شده بود) در ایران برقرار شد. این قانون که همچنان در حال اجراست، به آن منجر شده است که هیچ بانک یا مؤسسه اعتباری غیراسلامی در ایران تشکیل نشود و تمام مؤسسات در چارچوب شریعت فعالیت کنند.^۱

قانون عملیات بانکی بدون ربا که هدف اصلی‌اش حذف عملیات ربوی از نظام بانکی است، از پنج فصل تشکیل شده که عبارت است از «اهداف و وظایف نظام بانکی»، «تجهیز منابع پولی»، «تسهیلات اعطایی بانکی» و «بانک مرکزی ایران و سیاست پولی».

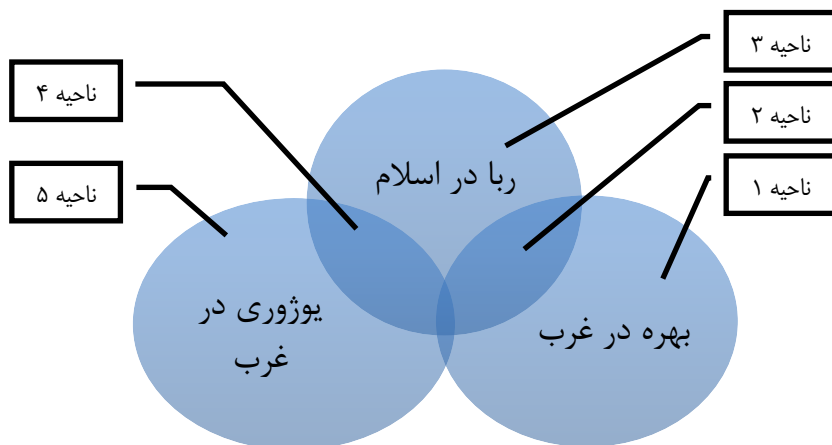
شاید یکی از مشکلات اصلی در قانون فعلی، عدم تعریف صحیح واژه‌های ربا و بهره پیش از ورود در مواد قانونی است. به‌یقین، اگر تعاریف این واژه‌ها به صورت صحیح و صریح در قانون ذکر شده بود، از بسیاری از سوء برداشت‌های موجود در شناسایی رابطه ربا و بهره بانکی جلوگیری می‌کرد.

۶. نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی

در این پژوهش تلاش شد تا به صورت تطبیقی به مفهوم‌شناسی معانی لغوی و اصطلاحی ربا در اسلام و غرب پرداخته شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه منطقی مفهوم ربا در اسلام و بهره و یوژوری در غرب به اصطلاح عموم و خصوص من وجه است. این رابطه در شکل شماره یک نشان داده شده است. این شکل از پنج ناحیه تشکیل شده است که در ادامه به توضیح هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

۱. موسویان و میثمی. (۱۳۹۴). ص، ۲۰۹.

شکل ۱. رابطه منطقی ربا، بهره و یوژوری



* ناحیه ۱: شامل مواردی است که در غرب بهره به حساب می‌آید (معاملات سودده خارج از قالب حقوقی قرض)، اما در چارچوب اسلامی ربا نیست. به عنوان مثال، نرخ معامله‌های لیزینگ (اجاره‌ای) با نرخ‌های پائین و متعارف اصطلاحاً بهره نامیده می‌شود، اما در چارچوب اسلامی ربا نبوده و قابلیت استفاده دارد.

* ناحیه ۲: شامل مواردی است که در غرب بهره به حساب می‌آید، در چارچوب اسلامی نیز ربا است. به عنوان مثال، اکثر سپرده‌ها و تسهیلات بانک‌های متعارف و بسیاری از اوراق بهادار و ابزارهای مالی مانند اوراق قرضه در غرب که در قالب حقوقی قرض با نرخ‌های متعارف و پائین انجام می‌شود، شامل این مورد است.

* ناحیه ۳: شامل مواردی است که در غرب بهره یا یوژوری به حساب نمی‌آید، اما در چارچوب اسلامی ربا است. به عنوان مثال، ربای معاملی یا حکمی را می‌توان در این گروه جای داد.

* ناحیه ۴: شامل مواردی است که در غرب یوژوری به حساب می‌آید (نرخ‌های بهره بالا)، در چارچوب اسلامی نیز ربا است. به عنوان مثال، معامله‌های با نرخ‌های بهره بالا که در قالب حقوقی قرض انجام می‌شوند شامل این مورد است.

✽ ناحیه ۵: شامل مواردی است که در غرب یوژوری به حساب می‌آید (نرخ‌های بهره بالا)، اما در چارچوب اسلامی ربا نمی‌باشد. به عنوان مثال، معامله‌های مبتنی بر عقودی مانند اجاره یا فروش اقساطی با نرخ‌های بسیار بالا.

توصیه سیاستی مستخرج از این پژوهش آن است که اولاً، بهره در موارد مهمی با ربا در اسلام همپوشانی دارد و لذا مناسب است جهت جلوگیری از سوءبرداشت در چارچوب اسلامی و نظام بانکی کشور، از کلمه بهره استفاده نشود. بلکه از جایگزین آن یعنی نرخ سود یا نرخ بازده عقود استفاده گردد. ثانیاً، ترجمه کلمه‌های یوژوری یا اینترست به ربا ترجمه‌های دقیقی نیست و منجر به سوءبرداشت می‌شود. ربا اصطلاحی مشخص در فقه اسلامی است و نباید آن را معادل یوژوری یا اینترست در ادبیات بانکی متعارف دانست. ثالثاً، مناسب است در طرح یا لایحه اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا که در حال حاضر در دولت و مجلس در حال پیگیری است، بخش مستقلی به تعاریف اختصاص یافته و در آن تعریف دقیقی از ربا و بهره ارائه شود.

منابع

- ابن رشد، محمد بن علی. (۱۴۱۶، ق). بداية المجتهد. بيروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴، ق). معجم مقائیس اللغه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ اول.
- ابن قیم، محمد بن ابی بکر. (۱۴۱۸، ق). اعلام الموقعین. بيروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴، ق). لسان العرب. بيروت: دار الفكر للطباعه، چاپ سوم.
- احمدوند، خلیل اله و توحیدی، محمد. (۱۳۹۴). سنجش میزان علیت ظالمانه بودن ربا در قرض‌های تولیدی و مصرفی. دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، ۸.
- انصاری، مرتضی. (۱۳۷۵، ق). المکاسب. تبریز: انتشارات کتابخانه اطلاعات.
- بحرانی، یوسف. (۱۴۱۰، ق). الحدائق الناضرة. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- بخشی، رسول و دلالی اصفهانی، رحیم. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی نظریه بهره و نظام بانکداری متعارف. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- پیغامی، عادل. (۱۳۸۹). تحلیل انتقادی نظریه‌های حقیقی-پولی و انگیزه‌های بین‌زمانی در موضوع‌شناسی بهره. پایان‌نامه دکتری رشته اقتصاد، به راهنمایی محمدهادی زاهدی‌وفا، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. (۱۳۸۱). ربا. قم: بوستان کتاب.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰، ق). الصحاح: تاج اللغه و صحاح العربیه. بيروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۴، ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
- حسینی واسطی، سید محمد مرتضی. (۱۴۱۴، ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: دار الفكر للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ اول.
- حلبی، حمزه. (۱۴۰۰، ق). غنیة النزوع الی علم الاصول و الفروع. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، چاپ اول.

- حلی، حسن. (۱۴۲۰، ق). تذکره الفقهاء. قم: انتشارات آل البيت.
- خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱، ق). کتاب البيع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲، ق). مفردات ألفاظ القرآن. لبنان: دار العلم، چاپ اول.
- رجائی، محمد کاظم. (۱۳۸۵). ماهیت بهره و کارایی اقتصادی آن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳، ق). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم.
- صدیقی، محمد نجات‌اله. (۱۳۸۷). ربا، بهره بانکی و حکمت تحریم آن در اسلام. ترجمه حسین میثمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ دوم.
- صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم. (۱۴۰۴، ق). منتهی الارب فی لغه العرب. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۷، ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالفکر.
- طوسی، محمد ابن حسن. (۱۳۸۷، ق). المبسوط فی الفقه الامامیه. تهران: انتشارات کتابخانه مرتضوی.
- عاملی، زین الدین. (۱۴۱۳، ق). مسالک الافهام. قم: انتشارات دارالهدی.
- فخر رازی، محمد. (۱۴۱۵، ق). تفسیر کبیر. بیروت: دارالفکر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰، ق). کتاب العین. قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷، ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- مصباحی مقدم، غلامرضا و احمدوند، خلیل اله. (۱۳۸۸). ابعاد شناخت ربای جاهلی. دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۲.
- مصباحی مقدم، غلامرضا و احمدوند، خلیل اله. (۱۳۸۸). ابعاد شناخت ربای جاهلی. دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۲.

- معلوف، لویس (۱۳۶۷). المنجد فی اللغة. تهران: انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم.
- مقدس اردبیلی، احمد (۱۴۰۳، ق). مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). ربا و بانکداری اسلامی. به کوشش ابوالقاسم علیان‌نژادی، قم: انتشارات حوزه امام علی (ع).
- موسویان، سید عباس و میثمی، حسین (۱۳۹۳). نظریه‌های ربا و بهره. دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، ۶.
- موسویان، سید عباس و میثمی، حسین (۱۳۹۴). بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری-تجارب عملی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ویرایش چهارم.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۶). نظریه‌های ربا و بهره. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۲۷.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۶). ابزارهای مالی اسلامی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰). طرح تحول نظام بانکی: اصلاح قانون و الگوی بانکداری بدون ربا. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱، م). جواهر الکلام. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ندری، کامران (۱۳۸۱). تحلیل مفهوم بهره طبیعی و سهمیه‌بندی اعتباری. پایان‌نامه دکتری رشته اقتصاد، به راهنمایی: اسدالله فرزین‌وش، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- Al-Jarhi, Mabid Ali. (2002). Islamic Finance: An Efficient and Equitable Option. Jeddah: Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank .
- Baldwin, J. W. (1959). The Medieval Theories of the Just Price: Romanists, Canonises, and Theologians in the Twelfth and Thirteenth Centuries. Philadelphia: APS.
- Bohm-Bawerk, E. (1890). Capital and Interest (W. Smart, Trans.). New York, NY: Kelley & Millman.

- Chapra, M. Umer .(2007). The Case Against Riba: Is It Compelling?, Paper Presented at the International Conference on Islamic Economics Organized by Universiti Brunei Darussalam and IRTI, Brunei, August, PP 9-12.
- Dempsey, W. (1935). Just Price in a Functional Economy. American Economic Review, 25, PP 15-55 .
- Fetter, F. (1914). Interest Theories: Old and New. American Economic Review, V. 23 .
- Mclaughlik, T. (1939). The Teachings of the Canonists on Usury. London: Med Stud.
- Murizah, O, Jaafar. A and Shahid E. (2013). Can an Interest-free Credit Facility be More Efficient Than A Usurious Payday Loan?, Journal of Economic Behavior and Organization, V. 4, N. 3.
- Oxford English Dictionary Online. (2012). Oxford University Press, Retrieved 03-03-2012.
- Palgrave Dictionary. (2013). The New Palgrave Dictionary of Money and Finance. UK: MacMillan.